

**عنوان مقاله:** بررسی تحولی خودپنداشت در کودکان ۶ تا ۱۲ ساله و رابطه آن با طبقه اجتماعی و جنس

**نویسنده:** رضا پور حسین، پریرخ دادستان، جواد اثره ایف عیرضا کیامنش

**منبع:** مجله روان شناسی ۲۳ سال ششم شماره ۳ پاییز ۱۳۸۱

# چکیده

- تحقیق جاض ربا هدف تبیین روند تحولی در کودکان ۶ تا ۱۲ ساله با توجه بخ متغیرهای جنس و طبقه اجتماعی- اقتصادی انجام گرفته است. برای این پژوهش که از الگوی تحولی دیمون و هاوتث استفاد شد. تعداد ۲۴۳ نفر از دانش آموز شهر تهران در چهار رده سنی ۶، ۸، ۱۰، ۱۲ ساله در دو جنس دختر (۱۲۰ نفر) و پسر (۱۴۳ نفر) و در دو طبقه اجتماعی-اقتصادی بال و پایین به صورت تصادفی انتخاب شدند وبا روش بالینی و مصاحبه مورد سنجش قرار گرفتند.

143

ComputerHope.com

120

shutterstock.com · 2045605155

# چکیده

• پس از جمع آوری پاسخ ها از کد گذاری بر اساس دستورالعمل الگوی مذکور داده های کمی با استفاده از مشخصه های آمار توصیفی تحلیل واریانس چند متغیری و آزمون توکی مورد پردازش و تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج به دست آمده مشخص می سازد که کودکان ۶ ساله ایرانی از لحاظ تحول خود در سطح دو (سطح سنجش های مقایسه ای) کودکان ۸ ساله در سطح سه (سطح استلزام های بین فردی و تعاملی) و کودکان ۱۰ و ۱۲ ساله سه تحولی و در صد قابل توجهی از این کودکان در **وهله بین بینی** سطح تحولی چهار (سطح نظام یافتگی باورها) قرار دارند.

- تحول خود پنداشت از متغیر طبقه اجتماعی اقتصادی تاثیر می پذیرد اما متغیر جنس تاثیر بر تحول و سازمان یافتگی خود ندارد. در این میان افراد طبقه بالای وضعیت بهتری دارند. همچنین کودکان ابتدا خود را به صورت مادی و بدنی توصیف می کنند و هر اندازه سن آنها افزای شمی یابد. این توصیف کاهش می یابد. و پس از سن ۸ سالگی تقریباً ثابت می اند اما میزان توصیف خود به صورت فعال اجتماعی و روانی افزایش می یابد.



# کلید واژه ها:

- خود پنداشته، طبقه اجتماعی اقتصادی خود عینی، خود فاعلی



## مقدمه

- خود یک ساختار روانی است که به دلیل تجربیات درونی و بیرونی در یک نظام پویا شکل می گیرد و به تدریج پیچیده تر می شود. خود محور شخصیت محسوب می شود. همچنین یک محصول اجتماعی به شمار می رود که در اثر تعامل و برخورد با دیگران به دست می آید (راجرز، ۱۹۴۷، به نقل از پورکی، ۱۹۸۸) نظر های مختلفی درباره خود از سوی روان شناسان ارائه شده است که می توان آنها را در دیدگاه های روان تحلیل گری شناختی و شناختی اجتماعی ردیابی کرد.

- بیشتر مولفان سعی کرده اند که خود و تصور از آن را در افق شناختی - اجتماعی و با روی آورد ساختاری و تحولی مورد بحث قرار دهند. چه، نمی توان پیشرفت های تحولی خود را به استناد رشد کمی توانایی ها تبیین کرد، بلکه بنیاد های شکل دهنده خود را از طریق سازمان یابی های پی در پی، به وسیله تحلیل ساختاری و به صورت کیفی قابل تبیین است. در این چهارچوب نگاه تحولی و ساختاری محققانی چون دیمون و هارت (۱۹۸۲، ۱۹۸۸) قابل ملاحظه سات که خود را حاصل تعامل فعال درون و برون از طیر درونسازی و برونسازی می دانند (دیمون و هارت، ۱۹۹۱)

## تحلیل ساختاری و به صورت کیفی

- با افزایش سن، ساختار روان خود به تدریج پیچیده تر شده و هشیاری فرد نیز نسبت به آن بیشتر می شود بدین ترتیب هر فرد واجد تصاویری از خود می شود که گرد یک تصویر منسجم توحید می یابد و خود پنداشت فرد را می سازند که در برگیرنده آگاهی فرد نسبت به ویژگی ها و توانایی های خویش است (محسنی، ۱۳۷۵؛) به تعبیر پورکی (۱۹۸۸) هستی انسان در یک کلیت پیچیده سازمان می یابد که هر شخص را به واقعیت خویش راهنمایی می کند.

آگاهی فرد نسبت به ویژگی ها  
و توانایی های خویش



- نگاه تحولی به خودپنداشت و پیگیری تحول آن در وهله های مختلف موجب شده است که روانشناسان این نظام پیچیده و پویا را در يك الگوی تحولی مورد مطالعه قرار دهند. در این الگو، سن به عنوان متغیر پیش بین مطرح شده و سپس به داده های کیفی علاوه بر داده های کمی توجه جدی می شود. همچنین استفاده از روش بالینی و مصاحبه برای تبیین سازمان یافتگی خود و معرفی مراحل تحولی و از ویژگی های دیگر این الگو به شمار می رود

استفاده از روش بالینی و مصاحبه

• سلمن ۱۹۸۰؛ موهر ۱۹۸۸؛ به نقل از ماير (۱۹۹۹) سيروسكي و سالاتر (۱۹۹۲) بر كلر و گرینوالد، ۱۹۸۲، نوام و، ۱۹۸۸ و كوهوت ، ۱۹۹۹، به نقل از محسنی (۱۳۷۵) از مولفانی هستند كه به سازمان یافتگی خود و توصیف مراحل تحولی آن توجه جدی داشته اند. از این میان دیمون و هارت در يك الگوی مكعب گونه خود عینی و خود فاعلی را تبیین نموده و آنها را در **چهار** سطح تحولی خود شناسی مقوله ای و سنجش های مقایسه یا و استلزام های بین فردی و تعاملی و سطح نظام یافتگی باوها و هدف های زندگی مطرح کرده اند.



- این سطوح، دوران خردسالی کودکی میانی، سال های اولیه نوجوانی و سال های آخر نوجوانی به بعد را پوشش می دهند. در این الگو علاوه بر تبیین سطوح تحول و سازمان یافتگی خود پنداشت، نوع توصیف خود به صورت مادی، فعال و اجتماعی و روانی مورد تاکید است که بعضی از مولفان از آنها با واژه **روانه بنه کلی خود** یاد می کنند (مارکوزه، ۱۹۹۹، به نقل از مایر، ۱۹۹۹)

روانه بنه کلی خود

- خودپنداشت تحت تاثیر عوامل متعددی متحول می شود. بازخورد دیگران به ویژه والدین، تعامل های اجتماعی، ارتباط کود و محیط و زمینه های محیطی از عواملی است که مورد بحث مولفان زیاد بوده است (کلر، ۱۹۹۶؛ نوآم ۱۹۸۸، بامیستر، ۱۹۹۹، ساتیدر، ۱۹۷۷، نقل از بامیستر، ۱۹۹۹) مولفا به عوامل متعدد دیگری که تاثیر بسزایی در خود پنداشت دارند اشاره کرده اند. بر تاثیر عامل جنس در نظر مولفانی چون گلیتاز، ۱۹۹۹، وایلی، ۱۹۷۹، مارکوز، ۱۹۹۲ میلز، ۱۹۸۶؛ گیلیکان (به نقل از کوکس، ۱۹۹۸) و الحسن، (۲۰۰۰) تاکید کرده اند. **البته محققان دیگری نیز بر عدم تاثیر جنس بر خود پنداشت را گزارش داده اند.** (عبدالوحید، ۱۹۷۹، الدیب، ۱۹۹۴، نقل از الحسن ۲۰۰۰) تری جاه، ۱۳۷۵ و فتحی آشتیانی، ۱۳۷۶)

- همچنین ارتباط کودک -والدین در ظنر بانهام (۲۰۰۰) هات چین ست (۱۹۹۹) به نقل از بانهام (۲۰۰۰)، توماس (۱۹۷۴، به نقل از فلین، ۱۹۷۴) موفقیت و شکست در زندگی وانعکاس باخورد های دیگران و خود شخص درباره آنها در نظر استیل (۱۹۹۷، به نقل از مایر ، ۱۹۹۹) و شرایط اجتماعی اقتصادی در ظنر مارش و بارنز (۱۹۸۵) به نقل از الحسن، ۲۰۰۰) از عوامل مهمی به شمار می روند که بر چگونگی شکل گیری و توصیف خودپنداشت تاثیر قابل ملاحظه ای دارند.

شکل گیری و توصیف خودپنداشت

- پژوهش حاضر با هدف تبیین روند تحول خودپنداشت و چگونگی توصیف فرد از خود در کودکان ۶ تا ۱۲ ساله ایرانی و رابطه آن با عوامل جنس و طبقه اجتماعی - اقتصادی انجام گرفته است.

- **سوال اصلی پژوهشی** این است که کودکان ایرانی در رده سنی مذکور در چه سطحی از تحول قرار دارند. نکته دیگر آن است که سطح تحولی و نوع توصیف فرد از خود تا چه میزان تحت تاثیر جنس و طبقه اجتماعی - اقتصادی بالا و پایین قرار می گیرد.



- بر این اساس فرض بر آن سات که سطح تحول کودکان ۶ ساله و ۸ ساله در سطح یک کودکان ده ستاه و در سطح دو و آزمودنی های ۱۲ ساله در سطح سه قرار دارند. **همچنین سطح تحولی دختران و پسران در هر دو طبقه یکسان است.** فرض دیگر آن است که بین جنس و نوع توصیف خود و نیز طبقه و نوع توصیف خود، رابطه معناداری وجود دارد.

# روش : جامعه، نمونه و شیوه نمونه گیری

- جامعه آماری این تحقیق تمامی دانش آموزان دختر و پسر ۶ تا ۶ سال ۱۱ ماه تمام ۸ تا ۸ سال و ۱۱ ماهف ۱۰ تا ۱۰ سال و ۱۱ ماه و ۱۲ تا ۱۲ سال و ۱۱ ماه اکن مناطق شهر تهران تشکیل شده است. گروه نمونه شامل **۲۶۳ نفر** از دانش آموزان دختر (۱۲۰ نفر) و پسر (۱۴۳ نفر) مناطق یک و هفده تهران می باشند که به صورت تصادفی و یا انتخاب شده اند. جدول اف توزیع گروه نمونه را نشان می دهد.

263



- هر يك از آموزدنی های طبقه اجتماعی-اقتصادی بالای دارای ویژگی هی چون سکونت در منطقه شمالی تهران، تحصیلات بالاتر از فوق دیپلم والدین، داشتن درآمد بالا و امکانات رفاهی و هر يك از آزمودنی ها طبقه پایین دارای ویژگی های سکونت در منطقه جنوبی تهران، تحصیلات زیر دیپلم والدین، نداشتن درآمد مکفی و نداشتن امکانات رفاهی بوده اند.

تحصیلات زیر دیپلم والدین، نداشتن درآمد  
مکفی و نداشتن امکانات رفاهی

جدول ۱ - توزیع فراوانی گروه نمونه بر حسب سن، جنس و طبقه اجتماعی اقتصادی

جمع	طبقه پایین		طبقه بالا		سن
	پسر	دختر	پسر	دختر	
۶۹	۱۷	۱۴	۲۱	۱۷	۶ سال
۶۷	۱۶	۱۳	۲۲	۱۶	۸ سال
۶۵	۱۶	۱۳	۲۱	۱۵	۱۰ سال
۶۲	۱۷	۱۸	۱۳	۱۴	۱۲ سال
۲۶۳	۶۶	۵۸	۷۷	۶۲	جمع

# طرح تحقیق و ابزار جمع آوری داده ها

• نوع تحقیق توصیفی و پس رویدادی و تحولی و مقطعی است که به بررسی فرایند تحول خود در سنین مورد توجه می پردازد. با توجه به تحولی بودن مطالعه روش تحقیق بالینی و فردی است و با استفاده از مصاحبه انجام گرفته است. در این روش مصاحبه ابزاری است که دستیابی به سطوح واقعی تحول خود در هویت کودک را در یک وارسی عمقی تسهیل می کند. در جریان مصاحبه، آزمودنی ها نه تنها به مواد مصاحبه پاسخ داده اند بلکه با پاسخ به سوالات وارسی کننده و چرایی پاسخ ها و استدلال های آنان نیز ارزیابی شده اس. ساختار مصاحبه پیشنهادی دیمن و هارت، دارای ۷ ماده، شامل خود توصیفی، خود ارزشیابی خود در بعد زمان علایق خود تداوم اراده تمایز است که با سوال یا سوال هایی همراه است و به وسیله سوال های وارسی کننده سطح تحول و نوع استدلال کودک سنجش می شود.

روش تحقیق بالینی و فردی

- ساختار این مقیاس در مطالعات زیادی مورد استفاده قرار گرفته و اعتبار یابی شده است. (دیمن و هارتف ۱۹۸۶-۱۹۸۸؛ هارت، لوکا و دیمون ، ۱۹۸۶، هارت ومالونی و دیمون ۱۹۸۷، نقل از لاپسلی، ۱۹۸۸) در یک مطالعه طولی دیمون و هارت (۱۹۹۱) برای به دست آوردن روایی درونی، روش آزمون دوباره را در مورد آزمودنی های ۴ تا ۱۴ ساله اجرا کردند. نتایج، همبستگی بالینی را بین آزمودنی ها نشان داد، در مطالعه دیگری همبستگی درونی سطح نما و میانگین موزون ۰/۸۳ بوده است.

• این ساختار در مطالعه دیمون هارتو شرین (۱۹۸۸) به نقل از دیمون و هارت (۱۹۹۱) درباره ارداک خود نوجوانان مبتال به روان بی اشتهایی اعتبار یابی شده است. علاوه بر هارت وزامانسکی (۱۹۸۸) در ایران خامسان (۱۹۸۴) و غلامعلی زاده (۱۳۸۰) آن را اعتبار سنجی کرده اند که ضریب همبستگی بین دو نوبت کد گذاری، ۰/۹۲ در مولفه های گوناگون بوده است. برای نمره گذاری پاسخ ه از واحدی به نام چانک استفاده شده است. هر چانک به یک ویژگی با معنا و دارای استدلال که توسط آزمودنی بیان می شود، تعلق می گیرد. **نتیجه چانک ها، نمره ای را تحت عنوان میانگین موزون به دست می دهد که یک داده کمی است.**

# روش های تجزیه و تحلیل داده ها

- برای تجزیه و تحلیل داده های کمی به دلیل فاصله ای بودن آنها از مشخصه آماری تحلیل واریانس استفاده شده است. نوع طرح آزمون سه عاملی بین گروهی و متقاطع است که دارای ۱۶ گروه مستقل می باشد. همچنین برای مشخص نمودن تفاوت میانگی ها از آزمون توکی استفاده شده است.



## نتایج

• پس از کد گذاری بر اساس دستورالعمل موجود نمرات میانگین موزون کل آزمودنی ها در همه سنین بر حسب طبقه اجتماعی - اقتصادی و جنس محاسبه گردید که در جدول ۲ مشخص شده است.

**جدول ۲- نمرات میانگین موزون خود عینی کل آزمودنیها در همه سنین بر حسب طبقه و جنس**

طبقه	جنس	میانگین موزون	انحراف معیار	تعداد
بالا	دختر	۲/۸۷	۰/۶۵	۶۲
	پسر	۲/۷۳	۰/۵۷	۷۷
	جمع	۳/۰۸	۰/۴۵	۱۳۹
پایین	دختر	۲/۵۲	۰/۶۹	۵۸
	پسر	۲/۵۲	۰/۵۹	۶۶
	جمع	۲/۵۲	۰/۶۴	۱۲۴
جمع	دختر	۲/۷۱	۰/۶۹	۱۲۰
	پسر	۲/۶۳	۰/۵۹	۱۴۳
	جمع کل	۲/۶۷	۰/۶۴	۲۶۳

- داده های جدول ۲ نشان می دهند که نمره میانگین موزون طبقه بالا ۳/۰۸ و طبقه پایین ۲/۵۲ است که تفاوت را نشان می دهد. درباره جنس نمره میانگین موزون دختران ۲/۷۱ و پسران ۲/۶۳ است که تفاوت چندانی را نشان نمی دهد. در این باره، جدول ۳ خلاصه تحلیل واریانس چند متغیری را نشان می دهد.



جدول ۳- خلاصه تحلیل واریانس اثرات بین گروهی نمرات میانگین موزون خود عینی

سطح ممناداری	F مشاهده شده	میانگین محدودات	درجه آزادی	مجموع محدودات	تأثیرات
۰/۳۳۵	۰/۹۳	۰/۲۰۴	۱	۰/۲۰۴	جنس
۰/۰۰۰۱	۳۰/۹۶	۶/۷۷	۱	۶/۷۷	طبقه
۰/۰۰۰۱	۶۳/۰۸	۱۳/۷۹	۳	۴۱/۳۹	سن
۰/۰۰۷	۳/۲۲	۰/۷	۱	۰/۷	جنس و طبقه
۰/۰۰۷	۴/۰۹	۰/۸۹	۳	۲/۶۸	جنس و سن
۰/۱۸۲	۱/۶۳	۰/۳۶	۳	۱/۰۷	طبقه و سن
۰/۲۶۴	۱/۳۳	۰/۲۹	۳	۰/۸۷	جنس و طبقه و سن
		۰/۲۲	۲۴۷	۵۴/۰۲	خطا

• با مراجع به جدول ۳ ملاحظه می شود که اثرات اصلی طبقه و سن بر نمره خودپنداشت (میانگین موزون) معنی دار هستند ( $p < 0/001$ ) در حالی که اثر اصلی جنس بر خود پنداشت معنادار نیست. به عبارت دیگر متغیرهای طبقه و سن در تغییر و تحول خودپنداشت موثرند اما جنس، تاثر قابل ملاحظه و معناداری بر خود پنداشت ندارد. خود پنداشت از سن و طبقه اجتماعی - اقتصادی تاثر می پذیرد اما از جنس تاثر نمی پذیرد. همچنین اثر متقابل جنس و طبقه معنادار نیست. بدیهی است در این صورت اثر متقابل جنس طبقه و سن نیز معنادار نخواهد بود که در جدول مشهود است. جدول ۴ نتایج آزمون توکی را درباره **تفاوت میانگین ها در سنین مختلف** نشان می دهد.

جدول ۴- نتایج آزمون توکی درباره تفاوت میانگینها (میانگین موزون) خود عینی

سطح معناداری	خطای استاندارد	تفاوت میانگین	سن	
۰/۰۰۰	-۰/۰۸۰	-۰/۵۰۷	۸ سال	۶ سال
۰/۰۰۰	۰/۰۸۱	-۰/۸۹	۱۰ سال	
۰/۰۰۰	۰/۰۸۲	-۰/۹۹۷	۱۲ سال	
۰/۰۰۰	۰/۰۸۱	-۰/۳۸۲	۱۰ سال	۸ سال
۰/۰۰۰	-۰/۰۸۲	-۰/۴۸۹	۱۲ سال	
۰/۵۷۱	۰/۰۸۳	-۰/۱۰۷	۱۲ سال	۱۰ سال

- آزمون توی نشان می دهد که تفاوت در مقایسه سنین ۶ و ۸ سال ، ۶ و ۱۰ سال، ۶ و ۱۲ سال و ۸ و ۱۰ سال و ۸ و ۱۲ سال معنا دارند. ( $p < 0.001$ ) اما در مقایسه سنی ۱۰ و ۱۲ سال این تفاوت معنادار نیست.

- جدول ۵ درصد چابک های همه آزمودنی ها را بر حسب سن و سطح تحولی نشان می دهد. بر اساس داده های جدول ۵ بیشترین درصد چابک در سن ۶ سالگی در سطح دو یعنی سطح سنجش های مقایسه ای متمرکز شده اند. (۵۲/۸۴ درصد) همچنین در سن ۸ سالگی بیشترین درصد چانک ها در سطح سه (سطح استلزام های بین فردی، ۷۰/۵۴ درصد) در سن ۱۰ سالگی در سطح سه (۶۶/۸۱ درصد) و در سن ۱۲ سالگی در سطح سه (۶۶/۱) متمرکز شده اند همان طور که ملاحظه می گردد هر اندازه سن افزایش می یابد درصد چانک ها در یک سطح بیشتر شده و یا این که در سطح بالاتر متمرکز می شود.

جدول ۵- درصد چانکهای خود عینی آزمودنیها بر حسب سن و سطح تحولی

جمع	سطح				سن
	۲	۳	۴	۱	
۱۰۰	۰/۴۲	۳۳/۶۴	۵۲/۸۴	۵/۵۹	۶ سالگی
۱۰۰	۱۶/۳۱	۷۰/۵۴	۱۱/۲۲	۱/۹۱	۸ سالگی
۱۰۰	۳۰/۶۸	۶۶/۸۱	۲/۵	۰	۱۰ سالگی
۱۰۰	۲۹	۶۶/۱	۴/۸۱	۰	۱۲ سالگی

• جدول ۶ درصد نمرات خودفاعلی آزمودنی ها را بر حسب سن و سطح تحولی نشان می دهد

جدول ۶- درصد نمرات خودفاعلی آزمودنیها بر حسب سن و سطح تحولی

جمع	۴	۳	۲	۱	سطح
					سن
۱۰۰	۰	۳	۵۲/۱۵	۴۵/۱۲	۶ سالگی
۱۰۰	۱/۴۷	۱۷/۲۱	۴۱/۹۵	۳۹/۳	۸ سالگی
۱۰۰	۸/۷۱	۷۵/۲۸	۳/۸۱	۱۲/۲	۱۰ سالگی
۱۰۰	۱۳/۷۷	۵۳/۵۹	۲۶/۷۲	۳/۹۴	۱۲ سالگی

• بر حسب جدول ۶ درصد چابک های خودفاعلی مربوط به سن ۶ سالگی در سطح دو (۵۲/۱۵۱ درصد) چانک های مربوط به سن ۸ سالگی در سطح دو (۴۱/۹۵ درصد) چانک های مربوط به سن ۱۰ سالگی، در سطح سه (۷۵/۲۸ درصد) و برای سن ۱۲ سالگی نیز در سطح سه (۵۳/۵۹ درصد) متمرکز شده اند. نتایج مربوط به سن تحول خود فاعلی در مقایسه خود عینی نشان می دهد که آزمودنی ها به لحاظ خود فاعلی در سطح پایین تری از خود عینی قرار دارند. البته نتایج دیگر نشان داده است که کودکان طبقه بالا به لحاظ خود فاعلی وضعیت بهتری نسب به کودکان طبقه پایین دارند.

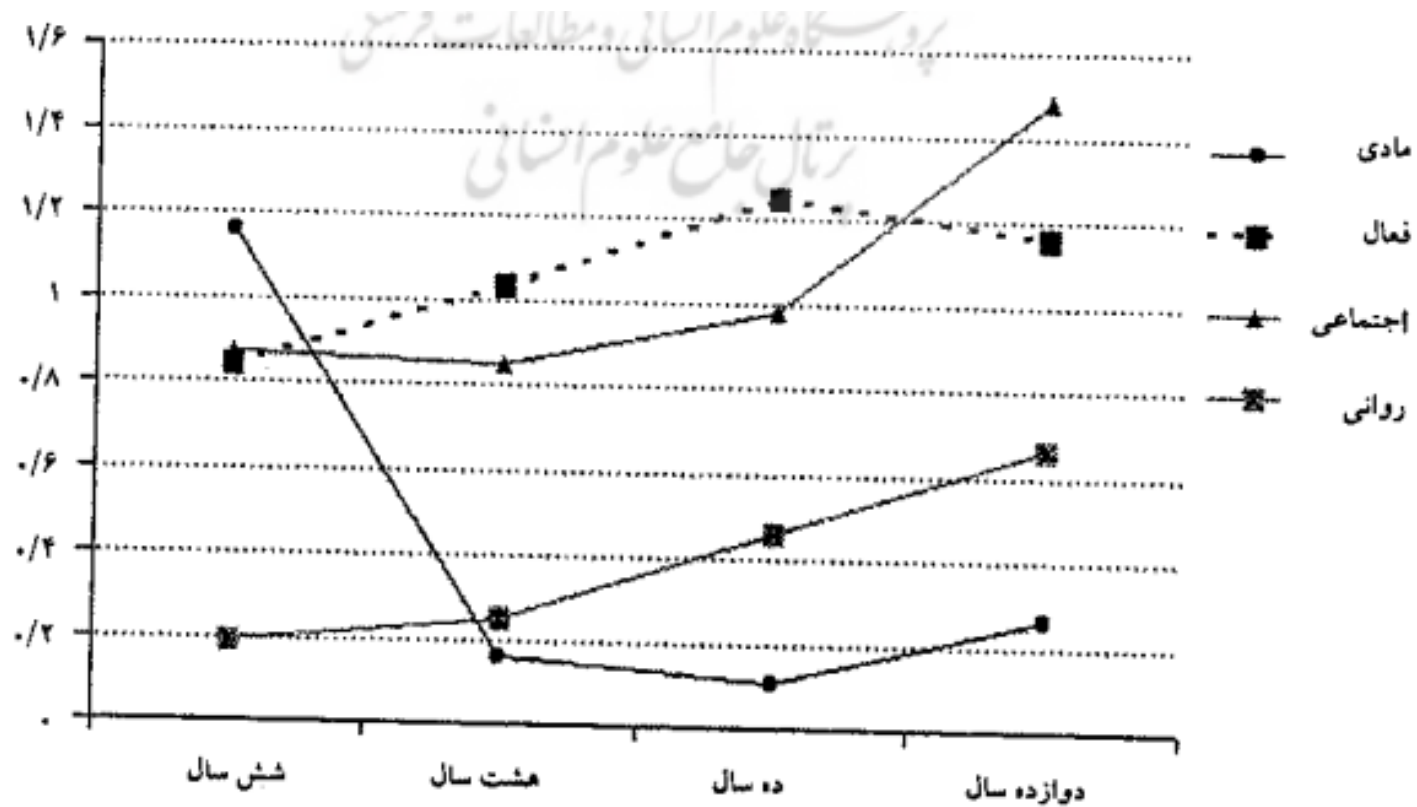
خود فاعلی

- در زمینه توصیف خود نتایج تحقیق نشان دادند که هر اندازه سن افزایش می یابد توصیف خود به صورت مادی و بدنی کاهش می یابد و پس از سن ۸ سالگی تقریباً ثابت می ماند در خود فعال افزایش بین سنین ۶ تا ۸ سالگی ناچیز است. افزایش بین سنین ۸ تا ۱۰ سالگی با شیب تندتری همراه است اما پس از ۱۰ سالگی تقریباً ثابت می ماند. در جنبه های دیگر هر اندازه سن افزایش می یابد، توصیف خود به صورت اجتماعی و روانی نیز افزایش می یابد.



• شیب افزایش آنها تند است و در ۱۲ سالگی به بیشترین حد خود می رسد. نکته دیگر آن است که فراوانی این توصیف ها به یک اندازه نیست و در **۱۲ سالگی** به بیشترین حد خود می رسد. نکته دیگر آن است که فراوانی این توصیف ها به یک اندازه نیست و همچنین نمرات توصیف ها که نوعی ماهیت و کیفیت آن را نشان می دهند نیز متفاوت است. همچنین دختران بیشتر از پسران خود را به صورت اجتماعی توصیف می کنند. نمودار ۱ این نتیجه را نشان می دهد.

**12**



نمودار ۱- روند توصیف خودعینی در سنین مختلف

جدول ۷- خلاصه تحلیل واریانس اثرات بین گروهی در نمرات خود عینی

سطح معناداری	F مشاهده شده	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	تأثیرات	خود عینی
۰/۰۰۰۱	۱۷/۰۴	۶/۱۱	۳	۱۸/۸۳	سن	مادی
۰/۰۰۰۱	۹/۱۹	۳/۳	۳	۹/۹۱	سن و جنس	
۰/۰۵۰	۲/۵۲	۲/۴۵	۳	۷/۳۷	سن	فعال
۰/۰۰۲	۵/۰۴	۵/۵۱	۳	۱۶/۵۴	سن	اجتماعی
۰/۰۵۰	۳/۸۷	۴/۲۴	۱	۴/۲۴	جنس	
۰/۰۰۰۱	۷/۳۹	۲/۹۳	۳	۸/۸	سن	روانی

- همان طور که قبلا ذکر گردید خود عینی در نظر دیمون و هارت دارای چهار مولفه است (مادی، فعلف اجتماعی و روانی) جدول ۷ خلاصه تحلیل واریانس بین گروهی را در چهارنمره خود عینی نشان می دهد.

جدول ۸- خلاصه تحلیل واریانس اثرات بین گروهی در نمرات خود فاعلی سطح معناداری

سطح معناداری	مشاهده شده F	میانگین محدودرات	درجه آزادی	مجموع محدودرات	تأثیرات	خود فاعلی
./0001	54/124	33/6	3	100/79	سن	تداوم
./0001	38/98	24/20	1	24/20	طبقه	
./030	3/03	1/88	3	5/65	سن و جنس	
./007	7/40	4/59	1	4/59	طبقه و جنس	
./0001	64/126	36/48	3	109/45	سن	اراده
./0001	39/525	22/496	1	22/496	طبقه	
./050	2/62	1/5	3	4/5	سن و طبقه	
./0001	10/01	5/69	3	17/09	سن و جنس	
./0001	42/03	30/715	3	92/145	سن	تمایز
./0001	29/406	21/492	1	21/492	طبقه	
./012	3/72	2/72	3	8/155	سن و طبقه	

- بر اساس جدول ۷، در خود عینی اثرات اصلی سن در همه انواع خودمعنادار است. همچنین اثر اصلی جنس در خود اجتماعی دارای معنا است. اثر اصلی سن و جنس تنها در زمینه خود مادی معنادار است. به عبارت دیگر، سن و توصیف خود به صورتهای مختلف تاثیر معناداری دارد. اما جنس به جز در جنبه اجتماع تاثیری بر چگونگی توصیف خود ندارد و همچنین طبقه اجتماعی اقتصادی تاثیر معنادار بر نوع توصیف خود ندارد.
- درباره رابطه جنس سن و طبقه اجتماعی - اقتصادی با مولفه های خود فاعلی جدول ۸ خلاصه ای از تحلیل واریانس را نشان می دهد.

• نتایج جدول ۸ نشان می دهد که اثرات اصلی سن و طبقه و نیز اثرات متقابل سن و طبقه بر تحول مولفه های خود فاعلی موثرند . همچنین اثرات متقابل سن و جنس بر تحول تداوم و پیوستگی و درک اراده و اختیار موثرند. داده ها نشان می دهند که جنس « تأثیری بر درک تداوم و پیوستگی، اراده و اختیار و تمایز از دیگران، ندارد اما سن و طبقه اجتماعی - اقتصادی دارای چنین اثری هستند.

جنس، سن و طبقه اجتماعی

## بحث

• مجموعه‌نیاز تحقیق با توجه به فرضیه‌ها و اهداف آن نشان می‌دهند که خودپنداشت و در وهله‌های مختلف زندگی تغییر و تحول می‌یابد و هر اندازه سن افزایش می‌یابد پیچیده‌تر و سازمان‌یافته‌تر می‌شود. این تحول در جهت پایداری قسمت‌هایی از خود پنداشت است که به دست و مرکز خود نزدیک‌ترند. به همین دلیل کودکان در سنین پایین‌تر تغییرات بیشتری را در خود نشان می‌دهند. در این خصوص پورکی (۱۳۷۸) نیز تحت عنوان سازمان‌یافتگی به پایداری و ناپایداری خود با توجه به فاصله آن هسته خود تاکید دارد. همچنین این تحول در جهت روانشناختی‌تر شدن توصیف خود می‌باشد. سمت و سو این روند، قبلاً در مطالعات هارتر (۱۹۱۸) سلمن (۱۹۸۰) و موهر (۱۹۸۸) به نقل از مایر ۱۹۹۹ مورد توجه قرار گرفته است.

پیچیده‌تر و سازمان‌یافته‌تر





• اما الگوی تحولی دیمون و هارت بر جنبه های دیگر این تحول تاکید داشته است. و دیمون و هارت معتقدند که قلمرو از خود وسعت یافته و علاوه بر خود موضوعی خود فاعلی را نیز در بر می گیرد. شناخت این خود ها در یک الگوی چند بعدی (مکعب گونه) قابل تبیین است. زیرا ویژگی های بدنی و مادی در تمام عمر برای همه باقی می ماند و حتی پس از یک دوره رکود در اواخر نوجوانی مجدداً به عنوان نماد مهمی از توصیف شخصی ارائه می شود.

الگوی چند بعدی

• پس حرکت تحولی از دو جهت افقی و عمودی اتفاق می افتد. (دیمون و هارت، ۱۹۹۱) نتایج تحقیق حاضر نیز چنین موضوعی را ثابت می کند. درست است که جهت تحول از خود مادی به سوی خود روان شناخت است اما خود مادی و بدنی تماما افول نمی کند بلکه امکان توصیف مادی در هر وهله ای وجود دارد تنها تفاوت سطح استدلالی آن است که در سنین مختلف متفاوت است.

- نکته دیگر آن است که کودکان ۶ ساله از سطح خود شناسی مقوله ای (سطح یک در مقیاس دیون و هارت) گذر کرده اند و سطح استدلالی آن ها به صوت سنجش های مقایسه ای است.

- در این سطح آنان خود را با دیگران و هنجارهای مادی و اجتماعی توصیف می کنند بدون آن که استلزامی داشته باشند به عنوان نمونه آزمودنی ۶ ساله دختر در پاسخ به این که «چرا مهم است که دو ادم بدی نیستی؟» پاسخ یم دهد که «چون آدم بد بدون خیلی بدهف نمی خوام مثل برادرم بشوم . بر همین منوال کودکان ۸ سالسه در سطح استلزام های بین فردی قرار می گیرند.

• این سن (۸ سال) نسبت به سنی که دیمون و هارت تعیین کرده‌اند این امر نشان می‌دهد که روند اجتماعی شدن و الزام برای تعامل با دیگران در کودکان نمونه روند مطلوبی بوده است. همچنین کودکان ۱۰ و ۱۲ ساله نیز در این سطح قرار دارند اما درصد قابل توجهی از چانک‌های آنان در سطح چهار قرار دارند.



کودک ۸ ساله

- به عبارت دیگر کودکان ۱۰ ساله و نوجوانان ۱۲ ساله ایانی به سطحی رسیده اند که طبق مقیاس دیمون و هارت بایستی در اواخر نوجوانی برسند. این موضوع نشان می دهد که نظام یافتگی باورها در کودکان و نوجوانان ایرانی، اسحکام بیشتری دارد. البته شتاب این روند در نوجوانی کند می شود یکی از دلایل آن سرعت تحول در خردسالی و کودکی اولیه و میانی است. به عبارت دیگر کودکان در ویژگی های شخصیتی ثابتی می شوند و در وهله های بعدی کمتر تغییر می پذیرند.

## نظام یافتگی باورها

- قبلا باین گردید که خودپنداشت از عوامل گوناگونی تاثیر می پذیرد. (محسنی (۱۳۷۵) به نقل از استرولو (۱۹۹۲) آن را حاصل تجربیات درون و برون و (راجرز (۱۹۴۷) به نقل از پورکی (۱۹۸۸) ان را محصول تعامل و برخورد با دیگران می دانستند. همچنین بامیستر (۱۹۹۸) خودپنداشت را به عنوان یک انتخاب گر بین خود و بیرون تلقی می کرد. نتایج نشان داد که بازخورد دیگران، شرایط اقتصادی و اجتماعی، تحصیلات والدین (به عنوان یکی از ویژگی های طبقه در پژوهش حاضر) و در برخی موارد، جنس در تحول خودپنداشت موثرند.

- تایید تاثیر طبقه اجتماعی- اقتصادی بر خودپنداشت و در تحقیق حاضر، موید نظرات اسپین (۱۹۹۴) امی (۱۹۹۳) به نقل از بالهام (۲۰۰۰) و فابر (۱۹۸۹) به نقل از گلیناز، (۱۹۹۹) می باشد. همچنین نظر سلف ۱۹۸۵ به نقل از فلین (۱۹۸۵) که موضوعات والدین سواد کم وضعیت بد اقتصادی وضعیت نامطلوب آموزش را از عوامل موثر بر خود پنداشت می دانست تایید گردد.

سواد کم وضعیت بد اقتصادی وضعیت  
نامطلوب آموزش



- هر اندازه وضعیت اجتماعی - اقتصادی کودکان مطلوب تر باشد نمرات آنان بیشتر خواهد بود. اگر چه ممکن است در یک سطح تحولی قرار گیرند. در پژوهش حاضر مشخص شد که کودکان طبقه بالا و پایین در یک سطح تحولی قرار می گیرند. اما استدلال های کودکان طبقه بالا از غنای بیشتر برخوردار است. به همین دلیل نمره بهتری را در یک پیوستار کسب نموده اند. البته این موضوع جای پیگیری بیشتری دارد برای مثال ممکن است کودکان ساکین در روستایی محروم حتی به لحاظ سطح تحول هم تاخیر داشته باشند.



• در زمینه جنس نتایج تحقیق با نظر بم (۱۹۹۳) ف عبدالوحد (۱۹۷۹) به نل از الحسنن ۲۰۰۰، ترقی جاه ۱۳۷۵، و فتحی اشتیانی (۱۳۷۶) همسو است. در نظر بم، مقایسه دو جنس اصولاً صحیح نیست زیرا جنس صرفاً دریچه ای است که از خلال آن می توان جهان را مشاهده کرد، محققان دیگر بر عدم رابطه معنی دار بین دختران و پسران لبنانی و ایرانی تاکید داشته اند. تنها در توصیف خود به صورت اجتماعی و فعال بین دو جنس تفاوت مشاهده شده است. در این خصوص نظر بلاک (۱۹۸۳) گیلیکان (۱۹۸۲، ۱۹۹۲) به نقل از کوکس (۱۹۹۸) تایید می گردد.

- آنها معتقدند که نقش دختران به طور سنتی به وسیله نش وری ارتباطی و تعاملی به ویژه در ارتباط بین شخصی شکل می گیرد، دختران بیشتر خود را اجتماعی و اهل تعامل نشان می دهند.

آزمودنی دختر، ۱۰ ساله در پاسخ به چرایی مهربان بودن، بیان می کند که «مهربونی خیلی مهمه چون اگر مهربون باشیم، دیگران به ما خیلی اهمیت میدن»

- اما در زمینه خود فاعلی نتایج حاکی از موثر بودن جنس بر درک تداوم و پیوستگی و درک اراده و اختیار هستند
- در مجموع می توان تاکید نمود که :
- متغیرهای سن و طبقه اجتماعی - اقتصادی بر خود پنداشت موثرند.
- خودپنداشت از جنس تغییر نمی پذیرد
- آزمودنی های طبقه بالا از وضعیت بهتری برخوردار هستند
- کودکان ۶ ساله ایران در سطح دو، ۸ ساله ها در سطح سه و کودکان ۱۰ و ۱۲ ساله در سطح سه و وهله بین سطح ۴ قرار دارند. اجتماعی شدن و استلزام برای تعامل با دیگران در کودکان نمونه مطلوب است.

- تا سن ۶ سالگی میزان توصیف خود به صورت مایه بالا است و پس از آن هر اندازه سن کودک افزایش می‌یابد، توصیف مادی کاهش می‌یابد و پس از ۸ سالگی تقریباً ثابت می‌ماند و میزان توصیف اجتماعی و روانی اضافه می‌شود. برخی از کودکان نمونه در توصیف خود از واژه‌های مذهبی خود ایمانی و یا خود معنوی را در مولفه‌های خود عینی لا اقل در جمعیت ایرانی مطرح می‌کند که قابل تامل است و می‌تواند در پژوهش‌های بعدی مورد واریسی قرار گیرد.
- ۶- طبقه اجتماعی - اقتصادی بر همه زمینه‌های خود فاعلی و جنس بر تداوم و اراده تاثیر معناداری دارد.

توصیف اجتماعی و روانی